

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۱۳۵/۶۰۱ رده بندی کنفرانس: ن ۹۰۰/۲

اعتبارسنجی مرابحه بانکی و شرایط و ضوابط حاکم بر آن

فاطمه زواری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار

دکتر غلامرضا یزدانی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد

چکیده

یکی از مهمترین و در عین حال پرکاربردترین عقود معین عقد بیع است. عقد مرابحه نیز نوعی بیع بوده که در آن بایع و مشتری می بایست از راس مال و سود معین و مورد توافقشان کاملاً اطلاع داشته باشند. با عنایت به روایات اهل بیت و نظر مشهور فقهای امامیه، این شرط دارای چنان اهمیتی است که در صورت عدم رعایت آن، مرابحه محقق نمی شد. در عقد مرابحه، مشتری دارای امتیازات و قابلیت های بالقوه ای است به طوری که به واسطه وسعت کاربردی که در خرید کالا و ارائه خدمات دارد به نظر می رسد پتانسیل خوبی در جهت استفاده از آن در قراردادهای عملیات بانکی و جایگزین نمودن آن با عمده عقود متداول شبکه بانکی را داراست. در این قالب قراردادی، بانک تمامی بهای مورد نیاز و خدمات و کالاهای مورد نیاز مشتریان خود را از جمله اشخاص حقوقی یا حقیقی در اختیارشان قرار می دهد. در مقابل مبلغی را به صورت سود در اقساط مختلف و سر

^۱ نویسنده مسئول

رسیده‌های مختلفی از مشتریان دریافت می‌کند. با توجه به اینکه سیستم بانکی ایران، سیستم بانکی بدون ربا بوده و بر اصول حاکم بر فقه امامیه تکیه دارد، مناسب است ربوی بودن یا نبودن سود حاصل از ارائه خدمات مرابحه بانکی به مشتریان مورد بررسی قرار گرفته و از این رهگذر، میزان اعتبار این نوع قرارداد مورد کنکاش قرار گیرد. مطابق تحقیق حاضر که بر روش تحلیلی - توصیفی تکیه دارد، به نظر می‌رسد، سود حاصل از طریق عقد مرابحه، عنوان ربا را نداشته و لذا این قرارداد، با مشکل ربوی بودن مواجه نیست.

بخش اول: کلیات

یکی از مهم ترین و در عین حال پرکاربردترین عقود معین، عقد بیع است. این عقد از ابعاد مختلف دارای تقسیمات متعددی می باشد. از شایع ترین آنها، تقسیم از نظر اعلام و یا عدم اعلام قیمت تمام شده مبیع، از طرف بایع به مشتری است. مراحبه یکی از انواع بیع بوده که جزو تقسیم بندی مذکور می باشد. در واقع مراحبه، نوعی بیع بوده که در آن بایع و مشتری می بایست، از رأس مال (قیمت تمام شده کالا یا خدمت بانضمام کلیه هزینه های مترقبه تا لحظه تحویل) و سود معین و مورد توافقشان، کاملاً اطلاع داشته باشند. با عنایت به روایات فقهی و نظر مشهور فقها، این شرط دارای آن چنان اهمیتی است که در صورت عدم رعایت آن مراحبه محقق نگردیده و مشتری دارای اختیار فسخ معامله می گردد.

گفتنی است، در حالی که، اغلب کشورهای اسلامی و بسیاری از کشورهای غیر اسلامی که دارای شعب یا باجه های اسلامی می باشند، عمده عملیات بانکی خود را با استفاده از قرارداد مراحبه انجام می دهند، متأسفانه از این عقد که ریشه در فقه اسلامی دارد، آن طور که باید و شاید، در شبکه بانکی کشور ایران استفاده ای نمی شود. ورود مراحبه در شبکه بانکی کشور، به استناد ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۲ هیئت وزیران وقت، و پیوستن آن به آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) صورت پذیرفت. این در حالی است که به رغم تصویب قانون مذکور و مصوبات شورای پول و اعتبار، باز هم بانک های کشور عملاً تمایلی به بکار بستن مراحبه در قراردادهای خود با مشتریان شان از خود نشان نمی دادند. در نهایت، تقریباً از سال گذشته بود که شاهد تغییر رویکرد بانک ها در استفاده عملی از عقد مراحبه در

بانکی را دارا است، می‌تواند مسیر نظام بانکی کشور را که مدت‌هاست به نظر برخی منتقدین عملیات بانکی، دچار انحراف از چارچوب اسلامی گردیده، به سمت و سوی بانکداری اسلامی باز گرداند. هدف این است که ضمن شناساندن برخی مفاهیم فقهی بانکی، با بیان شیوه‌های عملیاتی کنونی نظام بانکداری کشور و بررسی معضلاتی از جمله، صوری شدن معاملات بانک‌ها با مشتریان، شبهه رب‌ری شادان عملیات بانکی و به طور کلی تضعیف جایگاه اخلاق‌مداری و عدالت‌محوری در شبکه بانکی کشور، مباحثه را به عنوان یک راه حل پیشنهادی معرفی نموده و کاربردهای آن در مراودات پولی و بانکی مورد بررسی قرار گیرد. آنگاه فواید و امتیازات و در عین حال چالش‌های احتمالی که ممکن است، با خود همراه داشته باشد بررسی گردیده و در صورت امکان راهکارهایی ارائه گردد. در حال حاضر، مطالبات معوق مشتریان که منجر به قفل شدن منابع بانک‌ها گردیده، یکی از مهم‌ترین، چالش‌های اصلی نظام بانکی کشور، است. به نظر برخی از منتقدین نظام بانکداری کنونی کشور، جو رب‌وی و استثماری و سودگرایی موجود در شبکه بانکی و استفاده از برخی عقود و قراردادهای غیر اصولی و بیگانه، موجب گردیده علاوه بر اینکه بانک‌ها با معضلات مختلفی روبرو گردند، مشتریان نیز با رضایت کامل و تمایل واقعی از تسهیلات بانک‌ها استفاده نکرده و اغلب از روی ناچاری و چون گزینه مناسب تری جهت تأمین مالی وجود ندارد، تن به آن قرار داده‌ها دهند. اخیراً مشاهده گردیده که بانک‌ها گام‌هایی در جهت رفع و یا به حداقل رسیدن این مشکلات برداشته و به فکر چاره‌اندیشی افتاده‌اند. تغییرات اخیر بانک‌ها در شیوه‌های عملیاتی، از قبیل تحول در مدل کسب و کار، بر اساس بانکداری شرکتی، راه‌اندازی سیستم جامع بانکداری متمرکز، انطباق اهداف خود با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و حساسیت بیشتر در رعایت جلوگیری از عملیات پول‌شوی، نقطه عطفی در صنعت بانکداری بوده که شاید موجب گردد،

عملکرد بانک ها به اهداف بانکداری اسلامی نزدیک تر شود. از طرف دیگر با ارائه خدمات مطابق سلیقه و نیاز هر گروه از مشتریان، و با اطمینان قرار دادن آنها در استفاده از منابع بانک ها، مشتریان با رغبت و تمایل بیشتری وارد قراردادهای بانکی گردند. این تعامل علاوه بر همسو شدن منافع بانک و مشتریان، منجر به حداقل رسیدن معاملات صوری و ربوی گردیده و لاجرم کاهش مطالبات معوق و قفل شدن منابع بانک ها را به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال، در این فرایند- مهم ترین نقش بانک ها در اقتصاد مقاومتی، تأمین مالی بنگاه ها و مصرف بهینه منابع خود و مدیریت عملکرد دستگاه های زیر مجموعه و به حداقل رسانیدن ریسک هایی که ممکن است عملیات اقتصادی کشور و نظام بانکی با آن مواجه گردد، خواهد بود.

بدیهی است دستیابی به اهداف مذکور نیازمند، تغییر و تحول در برخی زیرساخت ها است. عقد مرابحه در حال حاضر مناسب ترین و کاربردی ترین عقد فقهی است که علاوه بر اینکه شیوه های عملیاتی بانک ها را در چارچوب اصول بانکداری اسلامی قرار می دهد، نسبت به رف، عماده ای از مشکلات موجود شبکه بانکی کشور که با آن دست و پنجه نرم می نماید، چاره اندیشی نموده و راهکار ارائه خواهد نمود. لذا ضروری است، بانک ها از این عقد استقبال بیشتری نموده و با فراهم نمودن بسترهای لازم، به مرور زمان، با ارتقاء توان علمی و عملی خود بتوانند، عملیات بانکی، به ویژه تخصیص منابع و تأمین مالی مشتریان را بر اساس قرارداد مرابحه انجام دهند. شایان ذکر است، مرابحه، یک نسخه از پیش آماده و بی عیب و نقص نبوده که برای هر مجموعه مالی و اقتصادی تجویز گردیده و با انجام خط به خط آن به سر منزل توفیق نائل گردد. بلکه همان طور که ذکر شد، تنها یک روش پیشنهادی است که هر بانک یا مؤسسه اعتباری، با فراهم نمودن

بسترهای مناسب و تغییر پله به پله در شیوه‌های عملیاتی خود، می‌بایست به بهترین شکل، جای این عقد که ریشه در فقه اسلامی دارد را در مجموعه خود باز نمایند.

بخش دوم: مفهوم شناسی

بند اول: مفهوم مباحه

مباحه در لغت به بیع و فروختن به زیادت قیمت نخستین و نیز به سود فروختن چیزی و سود دادن کسی را به متاع او تعریف شده است. (دهخد، ۱۳۷۳، ۱۸۱۷) مباحه، اعطاء الربح، أخذ الفائدة، الاقراض بفائدة تعریف شده است. (عبدالغیم، ۱۴۰۸، ۶۳۹) همچنین مباحه بیعی است که رأس المال و سود آن را به اطلاع مشتری می‌رسانند. مباحه معامله باربح نیز معنا شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۶۳۳) برای بیع مباحه در فقه تعاریف دقیق و اصطلاحی ارائه نشده است. بلکه آنچه بیان شده توصیفی بیش نیست، معمولاً در متون، فقهی بیع مباحه چنین توصیف می‌شود که: «مباحه یکی از اقسام بیع است و آن را به بیشتر از قیمت خرید آن (با فرض علم متعاقدين به اصل قیمت) بفروشد». (جواهری، ۱۴۰۶، ۱۳۲)

در واقع، ممکن است فروشنده در فرض تصریح قیمت خرید کالا، به قیمت معادل قیمت خرید یا بیش از آن یا کمتر از آن بفروشد. حالت اول را تولید و حالت دوم را مباحه و سوم را مواضعه گویند. (عاملی، ۱۴۰۴، ۳۱۷) اما می‌توان تعریف ذیل را مناسب بیع مباحه دانست. «بیع مباحه، عبارت است از: فروش کالا به همراه سودی مازاد بر قیمت خرید آن». البته از بین انواع بیوع از نقطه نظر اخبار به سرمایه هزینه شده در خرید مال التجاره، بیع مساومه بهترین نوع تلقی شده است که همان عدم اخبار مشتری به مبلغ سرمایه مذکور است. علامه حلی در باب مباحه چنین بیان می‌دارند: مباحه آن است که فروشنده مشتری

را از راس المال یا آن اندازه، که برای او تمام شده آگاه کند آن گاه سودی بر آن بی‌افزاید و اگر نسیه خریده است بگوید و اگر چند جنس با هم خریده است و می‌خواهد یکی را به مراحه بفروشد و برای آن قیمتی به تخمین معین کرده است نیز مشتری را آگاه کند و اگر آگاه نکرده یا دروغ گفت معامله حکم عقد فضولی و مکروه را دارد چون مشتری راضی بدان نبوده و رضای او را معلق بر امری است، والا باطل و پولی که گرفته بر فروشنده حرام است و مکروه است سود را به سرمایه نسبت دهد، تا شبیه ربا نشود. بلکه سود را به کالا نسبت دهد. مثلا نگوید با تومانی یک ریال منفعت می‌فروشم بلکه بگوید جنس را به فلان مبلغ بیشتر می‌فروشم. (شعرانی، ۱۴۱۹، ۲۶۴)

هیات وزیران با پیشنهاد بانک مرکزی و به استناد ماده ۹۸ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، در آیین نامه قرارداد مراحه در موارد ۸۱_۸۲_۸۴ اینگونه بیان می‌کند:

ماده ۸۱: مراحه قراردادی است که به موجب آن عرضه‌کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند.

ماده ۸۲: بانکها می‌توانند به منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی برای تهیه مواد اولیه، لوزام یدکی، ابزار کار، ماشین آلات، تاسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج این واحدها و نیازهای خانوار برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات نموده و سپس آن را در قالب مراحه به متقاضی واگذار نماید.

ماده ۸۴: اعطای تسهیلات در قالب مرابحه با توجه به بهای تمام شده و سود بانک تعیین خواهد شد.

بند دوم: مفهوم صکوک

در خصوص مفهوم «صکوک»، فرهنگ لغت دهخدا چنین آورده است: ریشه آن حدود {ص ک ک} بوده و معنای آن چک، نامه و یا قبالة است. (دهخدا، ۱۳۷۰، ۱۲۰۱) در فرهنگ معین در ذیل این کلمه بیان شده که معرب کلمه چک بوده و دارای دو معنای ۱_ چک و برات ۲_ نامه و قبالة است. (معین، ۱۳۸۰، ۱۲۴۱) در کتاب ترمینولوژی حقوق در ذیل کلمه «صک» علاوه بر معنای لغوی آن چنین آورده شده است: در فقه هر سند را صک گویند مانند صک اقرار، صک بیع، صک طلاق، صک قدیم (کهنه قبالة) و صک ضیعه (سند غیر منقول)، صک وقف. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲۳۵۴) کمیته تخصصی فقهی بکرس و اوراق بهادار نیز در مصوبه خود در تعریف صکوک چنین مقرر کرده است: اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، اوراق بهاداری هستند که بر اساس قرارداد شرعی منتشر می شوند و نشان دهنده مالکیت مشاع دارندگان آن، در دارایی مبنای انتشار اوراق پی باشند.

در نهایت استاندارد شریعت شماره ۱۷ سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی صکوک را اینگونه تعریف کرده است: گواهی های بت ارزش اسمی یکسان که پس از اتمام عملیات پدیره نویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر است و دارنده آن مالک یک مجموعه ای از دارایی ها، منافع حاصل از دارایی و یا ذینفع یک پروژه یا یک فعالیت سرمایه گذاری خاص می شود. (حسنی زاده مظلومی، ۱۳۸۹، ۱۸) با توجه به معنای اصطلاحی ارائه شده و همچنین معنای لغوی که به معنای

اصطلاحی نزدیک است، می توان برای اوراق بهادار یا صکوک از نظر حقوقی چنین تعریفی ارائه کرد: «سمد دارای ارزش مادی و قابل معادله، بیانگر حقوق دارنده آن نسبت به تعهدات صادر کننده اوراق، در سر رسید معین است». (جلالی، ۱۳۹۱، ۲۳)

بخش سوم: تاریخچه اوراق مالی اسلامی

ایده اولیه ابزارهای مالی اسلامی به نظریات اسلامی که طی ۴۰ سال گذشته ارائه شده است بر می گردد. تلاشهای زیادی جهت ایجاد بانک های اسلامی در کشور های مصر، پاکستان و صورت پذیرفت و در نهایت ایران و سودان توانستند بانکداری اسلامی را به طور کامل و بدون وجود سیستم موازی (بانکداری متعارف) اجرا نماید. از جدید ترین محصولاتی که با استفاده از کاربردهای ساختاری در بازارهای مالی اسلامی به وجود آمده است، می توان اوراق صکوک را نام برد. در راستای طراحی اوراق بهادار با انعطافی که بتواند پاسخگو انواع نیازهای تامین مالی بنگاه های اقتصادی در بازار سرمایه باشد و از سوی دیگر نیز مطابق با اصول و استانداردهای اسلامی باشد، اندیشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی افتادند، و برای این منظور مطالعات گسترده ای بر روی عقود شرعی و قابلیت آنها برای ابزار سازی صورت گرفت تا با استفاده از آنها ابزارهای مالی جایگزین ابزارهایی چون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز که به طور معمول مبتنی بر قرض با بهره و ربا هستند، طراحی کرد. در همان حال، اوراق صکوک به عنوان یک ابزار سرمایه گذاری جایگزین برای اوراق بهادار با درآمد ثابت از قبیل اوراق قرضه که در شرع مقدس اسلام حرام می باشند، اعلام می شود. قابل امعان نظر است گرچه به موجب بند ۲۴ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مفهوم ابزار مالی و اوراق بهادار

قراردادهای آتی و اختیار معامله مربوط به اوراق بهادار، ارزها، نرخ‌های بهره و کالا است. (عبدی‌پور فرد، ۱۳۹۱، ۹۲) متفکران مسلمان توانستند با رعایت ضوابط شرعی و نیازهای واقعی جوامع اسلامی، انواعی از ابزارهای مالی طراحی کنند، برخی از این ابزارها دارای پشتوانه بیش از ده سال تجربه علمی است و برخی هنوز در حد ایده و فکر است.

بررسی دقیق ابزارهای مالی اسلامی مستلزم تقسیم‌بندی این ابزارها به دو گروه ابزارهای پول و ابزارهای بازار سرمایه است. ایده اولیه استفاده از ابزارهای اسلامی در بازار پول به دهه ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۹ شمسی) بر می‌گردد. در آن زمان بانک‌های اسلامی جهت غلبه بر مشکلات نقدینگی به استفاده از ابزارهای مالی روی آورده‌اند. در جولای ۱۹۸۳ میلادی، بانک مرکزی مالزی از اوراق قرضه دولتی استفاده نکرد و به جای آن از اوراق بدون بهره به نام گواهی سرمایه‌گذاری دولتی استفاده نمود. بدین ترتیب شبهه ربوی بودن چنین ابزارهای مالی، به ظاهر برطرف می‌شد و افراد مسلمان اقدام به خرید اوراق می‌نمودند. در دهه ۱۹۹۰، همزمان با گسترش ساختارهای مختلف معاملات مالی توسط بانکهای اسلامی، ایده استفاده از ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه نیز قوت گرفت. بدنبال آن متخصصان مالی در کنار علمای دینی اقدام به مطالعه راهکارهای مناسب نمودند. (رضوی، ۱۳۸۶، ۲۰)

تمامی این موارد در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳ شمسی)، مقررات ناظر بر انتشار اوراق مشارکت را تهیه کرد و شهرداری تهران به عنوان ناشر، اولین اوراق مشارکت را منتشر نمود. به دلیل عدم اطلاع محققان حوزه مطالعات مالی اسلامی از این ابداع کشورمان، ایده‌های استفاده از ابزارهای اسلامی بازار سرمایه را به اوایل سالهای ۱۹۹۷ میلادی (۱۳۷۶ شمسی) یعنی سه سال پس از تصویب ضوابط اجرایی

انتشار اوراق مشارکت نسبت می دهند. اما ایده اولیه استفاده از ابزارهای مالی اسلامی بر پایه مشارکت هر دو طرف تامین کننده و دریافت کننده منابع در سود و زیان طرح توسط دولت جمهوری اسلامی ایران بوده است. (حدادی و موسویان، ۱۳۸۹، ۴۹) به طوری که در سال ۱۳۷۳ برای نخستین بار در جهان تامین مالی طرح های عمرانی اقدام به انتشار اوراق بهادار مشارکت منطبق با قوانین اسلامی نمود، بنابراین جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبدع و مبتکر انتشار اوراق بهادار اسلامی در دنیا به حساب می آید. (موسویان و کریمی، ۱۳۸۸، ۱۴)

بخش چهارم: شروط صحت عقد مرابحه

برای صحت مرابحه، علاوه بر شرایط عمومی صحت قراردادها، شرایط دیگری نیز لازم است.

الف) مبیع باید موجود و در دسترس باشد.

ب) سود مرابحه با توافق طرفین مشخص می شود.

ج) فروشنده کالا مرابحه باید کلیه هزینه های تملک کالا از قبیل حمل و نقل، حقوق و عوارض گمرکی و سایر موارد را در محاسبه قیمت کالا لحاظ نماید.

د) تمام هزینه های فروشنده برای خرید کاملاً مشخص و مستند باشد.

ه) کالای مورد معامله مرابحه باید حقیقی باشد لذا معامله اسناد اعتباری با روش مرابحه مجاز نمی باشد.

و) استفاده از شرایط بیع متقابل در قرارداد مرابحه مجاز نمی باشد بدین ترتیب بانک نمی تواند ثمن معامله را در مقابل دریافت کالای دیگری که در قالب قرارداد مرابحه مجزای

بین خریدار به عنوان فروشنده و بانک به عنوان خریدار بر واگذاری آن توافق شده است، دریافت نماید.

ز) انتخاب شخص ثالث به عنوان نماینده بانک جهت خرید کالای مرابحه باید در قالب قرارداد جداگانه از مرابحه صورت گیرد.

ح) فاکتورهای صادره از سوی فروشنده کالا باید به عنوان بانک صادر شود و حتی اگر نماینده ای از طرف بانک برای دریافت کالای مورد نظر معرفی می شود باز هم تفاوتی نکرده و فاکتور می بایست به نام بانک صادر گردد.

ط) همان گونه که مشتری متعهد به خرید کالا است، بانک نیز متعهد به تحویل کالا می باشد.

ی) مرابحه دارای اجزا و مراحل مختلفی است و خود قرار داد مرابحه باید به عنوان آخرین مرحله قبل از تحویل کالا منعقد شود.

ک) باید کلیه شرایط فقهی مرابحه به ویژه شفاف بودن هزینه تملک کالا توسط بانک و مشخص بودن سود بانک در قراردادهای مرابحه برای سفارش دهنده خرید نیز محقق شود. (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۴، ۴)

ل) در مرابحه باید کالایی بین خریدار و فروشنده رد و بدل شود و در واقع باید پدیده ی اقتصادی رخ دهد.

م) مرابحه زمانی اتفاق می افتد که کالا را فروشنده خریداری و تملک نماید و پس از آن مرابحه واقع می گردد.

ن) در صورت توافق فروشنده و خریدار انجام معامله مباحه به صورت نقدی یا نسیه و یا وکالتی و سود مبلغی یا درصدی بلاشکال می باشد.

س) آخرین و مهم ترین شرط این است که چنانچه فروشنده در عنوان قیمت تمام شده خرید کالا تقلب نموده و دروغ بگوید، مباحه قابل ابطال و برای مشتری خیار فسخ به وجود می آید. (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۳)

نکته: با توجه به مورد اخیر (س) مباحه دارای اجزای مختلف می باشد، بدیهی است شرط صحت بیع مباحه رعایت جزء به جزء آن ها می باشد. وجه تمایز عقد مباحه با سایر انواع به که باعث اهمیت و توجه ویژه به آن، میان فقها گردیده است، اطر رأس المال و سود مورد توافق طرفین می باشد. اهمیت این مورد تا بدان اندازه است، که در صورت تقلب (دروغ گفتن بایع) از قیمت تمام شده مبیع (رأس المال بعلاوه کلیه هزینه های احظه عقاد قرارداد)، معامله باطل و مشتری دارای خیار فسخ می گردد. به نظر می رسد با عنایت به اهمیت مباحه بتوان علاوه بر خیار فسخ، کلیه ضرر و زیان ما پر مشتری را نیز دارای قابلیت مطالبه دانست.

بخش پنجم: مهم ترین انواع اوراق بهادار مباحه

اوراق مباحه انواع گوناگونی دارد که برخی در مرحله پیشنهاد و برخی به مرحله ی اجرا رسیده است، مهم ترین انواع آنها عبارت اند از: اوراق مباحه تأمین مالی، اوراق مباحه تأمین نقدینگی، اوراق مباحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری، اوراق مباحه رهنی، که هر کدام به تفکیک توضیح داده شده است.

بند اول: اوراق مباحه تأمین مالی

در این نوع اوراق، بانی برای تأمین مالی خود، اقدام به انتخاب یا تأسیس موسسه مالی بطور خاص با عنوان واسط می کند. واسط با انتشار اوراق مباحه از طریق شرکت تأمین

مایه، وجوه سرمایه گذاران مالی (مردم) را جمع آوری کرده و به وکالت از طرف آنان کالای مورد نیاز را از تولید کننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری و به صورت بیع مرابحه و به قیمت بالاتر به بانی می فروشد. بانی متعهد می شود که در سررسید مشخص، قیمت نسبه کالا را از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود مرابحه استفاده کنند و یا قبل از سررسید اوراق خود را در بازار ثانوی بفروش برسانند. (موسویان، ۱۳۸۸، ۱۳) نقدی که بر این گونه اوراق وارد است این است که بازار اولیه این اوراق مبتنی بر خرید و فروش نقد و نسبه دارایی خاص است که از نظر فقهی فاقد اشکال می باشد لیکن بازار ثانوی آنها بر اساس جواز خرید و فروش دین است که محل بحث و ایراد است.

بند دوم: اوراق مرابحه به تأمین نقدینگی

در این روش، مؤسسه ناشر اوراق، دارایی های دولت، سازمان ها و بنگاه های اقتصادی را به صورت نقد خریده و پولش را می دهد، سپس با قیمتی بالاتر و به صورت نسبه مدت دار به خود آنها می فروشد و در مقابل، از آنها اسناد مالی با مبالغ و سررسید های معین دریافت می کند. مؤسسه ناشر می تواند منتظر بماند و سررسید. مبلغ اسمی اسناد را از خریداران دریافت کند و یا می تواند در بازار ثانوی آنها را تنذیل کرده و بفروشد. (موسویان، ۱۳۸۸، ۱۵) همان طور که مشاهده می گردد این گونه اوراق مصداق بارز بیع العینه با باز خریدا- دارایی فروخته شده است. که قبلا به اشکالات آن اشاره شده است.

بند سوم: اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری

در این نوع از اوراق مرابحه، هدف تشکیل سرمایه، فعالیت تجاری مستمر است، بانی (شرکت تجاری) که نقش ناشر را نیز دارد، با انتشار و واگذاری اوراق مرابحه وجوه نقدی

مازاد افراد را جمع آوری کرده به وکالت از طرف آنان کالاهای مورد نیاز دولت، سازمان‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را از تولیدکنندگان با مراکز فروش به صورت نقد خریده، سپس با افزودن نرخ معینی به عنوان سود به صورت نسیه به مصرف‌کنندگان نهایی می‌فروشد. سود حاصل از عملیات خرید و فروش پس از کسر درصدی به عنوان حق الوکاله ناشر (شرکت تجاری) به صورت فصلی اوراق سالانه از طریق شرکت تأمین سرمایه بین صاحبان اوراق توزیع می‌شود. (موسویان، ۱۳۸۸، ۱۶) این اوراق ماهیت اوراق سهام شرکت‌ها را دارد و می‌تواند بدون سررسید معین منتشر شود همان‌طور که می‌توان ابتدا آن را به صورت سررسید اما قابل تبدیل به اوراق سهام طراحی نمود.

بند چهارم: اوراق مرابحه رهنی

در این شیوه بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) که دارایی‌هایی را به صورت مرابحه و فروش اقساطی رهنی به دولت، بنگاه‌ها و خانوارها واگذار کرده است، می‌تواند با تبدیل کردن مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه به اوراق بهادار، منابع خود را تجدید کند. لذا اقدام به تاسیس واسطه می‌کند. واسطه با انتشار اوراق مرابحه، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری، سپس به وکالت از طرف آنان، قرض‌های حاصل از تسهیلات مرابحه را به قیمت تنزیلی از بانی خریداری می‌کند. بانی متعهد می‌گردد که در سررسیدهای معینی مبلغ اسمی قرض‌ها را از با همکاران دریافت کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود اوراق استفاده کنند و می‌توانند قبل از سررسید، اوراق خود را در بازار ثانوی بفروشند.

بر اساس فلسفه عقاب مرابحه، همه انواع اوراق مرابحه از نوع ابزارهای مالی انتفاعی با سود معین می‌باشد. در نوع اول و دوم و چهارم اوراق مرابحه در حقیقت دارنده اوراق،

مالک سنا مالی با سررسید معین است و می‌تواند با توجه به نرخ تنزیل آن را به مبلغی کمتر از قیمت اسمی به ثالث بفروشد. وجه تمایز نوع سوم با انواع دیگر در مالکیت دارنده اوراق در بخش مشاع از دارایی ناشر اوراق می‌باشد که با فروش اوراق مالکیت خود را از آن دارایی واگذار می‌کند و خریدار اوراق مشاعاً مالک آن دارایی می‌گردد. بنابراین با تعریفی که از بازار اولیه و می‌گردید، نوع اول اوراق مرابحه (اوراق مرابحه تأمین مالی در بازار اولیه مشکلی نداشته و معاملات بازار ثانوی آن محل بحث صحت بیع دین می‌باشد. نوع دوم اوراق مرابحه اوراق مرابحه تأمین نقدینگی) هم در بازار اولیه و هم ثانوی دارای اشکال می‌باشد زیرا این نوع معامله بیع العینه بوده و به اعتقاد مشهور فقهای شیعه و اهل سنت چنین بیعی باطل است نوع سوم اوراق مرابحه (اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت های تجاری) چه بازار اولیه و چه در بازار ثانویه به اعتقاد هم فقهای شیعه و سنی صحیح می‌باشد. نوع چهارم اوراق مرابحه (اوراق مرابحه رهنی) در بازار اولیه و بازار ثانویه نیاز مند صحت بیع دین می‌باشد. پس معامله در اوراق مرابحه نوع چهارم و بازار ثانویه نوع اول از نوع بیع دین بوده و این معامله به اعتقاد مشهور فقهای شیعه و برخی از شافعیه صحیح است، اما به اعتقاد اقلیت فقهای شیعه و قالب فقهای اهل سنت اشکال دارد و صحیح نمی‌باشد. (جواهری، ۱۴۰۸، ۲۴۱)

بخش ششم: شرایط صدور و ارکان اوراق مرابحه

بند اول: شرایط انتشار اوراق مرابحه

ارائه اوراق مرابحه توسط بانی به معنای تعهدی است که وی در قبال دارندگان اوراق بر عهده می‌گیرد، و از آنجا که در زمان انعقاد قرارداد، منابع مالی لازم برای پرداخت عوض معامله را نداشته است، به جای پرداخت ثمن حال به واسطه، سندی مبنی بر بدهی خود ارائه کرده است. مبلغی که در صورت حال بودن قرارداد لازم بود توسط بانی پرداخت شود، صادر می‌گردد. در انتشار اوراق مالی معمولاً دولتها متناسب با شرایط اقتصادی، ضوابطی را

تعیین می‌کنند که رعایت این ضوابط توسط ناشر الزامی است. در قوانین ایران نیز این ضوابط برای اوراق قرضه و اوراق مشارکت دیده می‌شود. ضوابط مربوط به اوراق قرضه در مواد ۵۱ تا ۷۱ لایحه قانون سال ۴۷ قانون تجارت، به صورت مفصل بیان شده است، ولیکن مقررات مربوط به اوراق قرضه به سبب وجود ربا در آن از سوی شورای نگهبان، خلاف شرع تشخیص داده شد و از شمار قوانین خارج گردید. با خارج شدن اوراق قرضه، خللی به وجود آمد که به واسطه آن دولت، موسسات و شرکت‌های اقتصادی نمی‌توانستند منابع مالی لازم برای طرح‌های خود را تامین کنند و چاره‌ای جز این نداشتند که به سراغ استقراض از بانک‌ها بروند و در این صورت لازم بود اولاً سود بالایی پرداخت کنند و در ثانی بانک‌ها بردی دادن تسهیلات، وثیقه مطالبه می‌کردند. در نهایت قانونگذار ایران در سال ۱۳۷۶، قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت را به تصویب رساند، تا به وسیله این اوراق خللی را که پس از ممنوعیت اوراق قرضه در تامین مالی ایجاد شده بود، به نحوی جبران نماید و موسسات و شرکت‌ها بتوانند از منابع مالی موجود و راکد در دست مردم استفاده نمایند. اما اوراق مشارکت ماهیتاً دارای سود غیر معین است، در حالی که اوراق بهادار با سود معین در بازار سرمایه از مطلوبیت بیشتری برخوردار بوده است و افراد بیشتری را به خود جذب می‌کند، پس لازم بورس اوراق برای رونق بیشتر این بازار، اوراقی با سود معین را نیز منتشر کند؛ در همین راستا اوراق اجاره به عنوان اولین اوراق با ویژگی با ویژگی سود معین، مطرح گردید و دستورالعملی نیز برای آن تدوین شده است.

در مقررات مخصوص اوراق مرابحه نیز شرایطی برای ناشر اوراق بهادار در نظر گرفته شده است که تنها در صورت وجود آن شرایط به وی اجازه منتشر کردن اوراق را خواهند داد. که این شرایط به شرح ذیل است.

اشخاصی که مجاز به انتشار این اوراق می باشند به شرح زیر می باشند.

الف: شرکت های سهامی و تعاونی

ب: شرکت دولتی

ج: شهرداری ها، موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی

بند دوم: شرایط دارایی موضوع اوراق مرابحه

الف: موجود بودن

درمورد موجود بودن مورد معامله باید قائل به تفکیک بین عین معین و کلی شد.

عین معین: درموردی که مبیع یا در حکم آنست، باید هنگام عقد موجود باشد. خرید و فروش مالی معینی که وجود خارجی ندارد باطل است (ماده ۳۶۱ قانون مدنی). زیرا در این مورد عقد تملیکی است و مبیع باید موجود باشد تا بتواند مورد انتقال قرار گیرد. درباره ییعی که موضوع آن در حکم معین است، باید افزود که هنگام بسته شدن عقد، باید تمام شیئ متساوی الاجزاء، یا دست کم مقداری از آن که موضوع بیع قرار گرفته است، موجود باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۴)

مبیع کلی: در موردی که مبیع کلی است، لزومی ندارد که فروشنده مصداقی از آن را هنگام عقد داشته باشد. برای مثال، در فروش گندم، اگر مبیع یک خروار به طور کلی باشد، از بین رفتن تمام گندم های موجود در انبار فروشنده نیز عقد را باطل نمی کند. زیرا، در این فرض فروشنده به مقداریک خروار گندم به خریدار بدهکار است و می تواند موضوع دین را تهیه و تسلیم نماید.

در بند الف ماده ۱۰ دستورالعمل انتشار اوراق مرابحه در این خصوص این - چنین بیان شده: «دارایی در زمان انتشار اوراق موجود بوده یا شرایط تحویل آن در مواعد زمانی مورد نظر بانی وجود داشته باشد». همانگونه که از این مقرر برمی آید موجود بودن دارایی تصریح گردیده است. از آنجایی که بانی کالای مورد نظر خود را دقیقاً معین نمی کند بلکه مشخصات و اوصاف کامل آن را بیان می دارد این بند به خوبی به این نکته در قسمت اخیر خود اشاره می کند و بیان می دارد در زمان تحویل، دارایی باید موجود باشد.

ب: امکان واگذاری به غیر

برای اینکه معامله موجب انتقال مال و صحیح باشد، لازم است مورد آن قانوناً قابل انتقال باشد در غیر این صورت معامله به علت نداشتن مورد، باطل خواهد بود، مانند فروش مال وقف و مشترکات عمومی در وضعیت عادی. (شهیدی، ۱۳۸۶، ۳۰۸)

مال وقف مالی است که مالک، عین آن را حبس و منافع آن را برای صرف در امور خیریه معین می کند (ماده ۵۵ ق.م). منظور از مشترکات عمومی اموالی است که مالک خاص ندارد و متعلق به همه افراد ملت می باشد، مانند راه ها و پل ها و کتابخانه عمومی. فروش مال وقف و مشترکات عمومی در مواردی استثنایی جایز است و در حالت عادی قابلیت انتقال را ندارد. بنابراین ممکن است شیء دارای مالیت و منفعت عقلایی و مشروع باشد و از نظر مادی مقدور التسليم و معلوم و معین باشد ولی قابل انتقال نباشد. در همین خصوص ماده ۳۴۸ قانون مدنی بیان می دارد: (بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است... باطل است). با توجه به مطالب فوق لازم به ذکر است که علاوه بر موارد قانونی که مانع انتقال مال می شود، اشخاص نیز می توانند به وسیله قرارداد (شرایط عدم انتقال) خرید و فروش مالی را ممنوع سازند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۴۴) در دستورالعمل انتشار

اوراق مرابحه نیز به این شرط تصریح شده است. بند ۳ و ۵ ماده ۱۰ این چنین بیان می‌دارد: «هیچگونه محدودیت یا منع قانونی، قراردادی یا قضایی برای انتقال دارایی وجود نداشته باشد». با توجه به اینکه در دوبند جداگانه این مقررات قید شده بنظر می‌رسد بند ۵ این ماده نمی‌بایست قید می‌شد چرا که بند سوم به طور کامل حکم موضوع را مشخص نموده است. هرچند می‌توان اینگونه استدلال نمود که بند سوم ناظر به موردی است که مال ذاتاً قابلیت انتقال را دارد لیکن به علتی عارض شده (قانونی، قراردادی یا قضایی) نمی‌توان آن را انتقال داد و بند سوم ناظر به فرضی است که مال اساساً و به ذات قابلیت انتقال را ندارد.

علاوه بر شرایط عمومی مربوط به مورد معامله که در مورد دارایی مبنای انتشار اوراق نیز می‌بایست رعایت شود برخی شرایط اختصاصی نیز باید در این دارایی رعایت گردند، که به توضیح این موارد پرداخته می‌شود.

ج: ایجاد نقدینگی

با توجه به تفاوت اوراق بهادار اسلامی با اوراق قرضه خصوصاً این موضوع که اوراق بهادار اسلامی مبتنی بر عقود واقعی و داری، دارایی واقعی جهت انتشار هستند و به عبارتی مانند اوراق قرضه نیستند که ناشر مستقیماً مبلغی را از سرمایه‌گذار اخذ نماید و در سررسید با مبلغی سود آنرا پرداخت نماید بلکه این اوراق منجر به جریان افتادن واقعی دارایی در چرخه اقتصاد می‌گردند. دغدغه قانون‌گذار جهت رسیدن به این هدف و هم چنین جلوگیری از بورس بازی منجر گردیده تا در بند دوم ماده ۱۰ دستورالعمل این چنین بیان کند: «به کارگیری دارایی در فعالیت بانی، منجر به ایجاد جریانات نقدی شده و از خروج وجوه نقد جلوگیری کند».

د: بیمه مال تا زمان انتقال به بانی

همانگونه که در مطالب بیان گردید واسط ابتدا به وکالت از سرمایه گذاران کالای مورد نظر بانی را فروشنده خریداری می کنند، سپس آنرا به بانی انتقال می دهند. از آنجایی که امکان دارد در این فاصله کالا در چار حادثه گردد و تلف یا ناقص شود قانونگذار تکلیف نموده که کالا در این فاصله از پوشش بیمه ایی مناسب برخوردار گردد. هر چند که طبق ماده ۳۸۷ ق.م تلف کالا قبل از قبض از مال بایع است و در واقع بانی مسئول این تلف نیست لذا جهت جلوگیری از دعاوی ناشی از این موضوع و علاج واقعه قبل از وقوع در بند ۶ ماده ۱۰ دستورالعمل چنین آمده است: «تا زمان انتقال مالکیت دارایی به بانی، دارایی از پوشش بیمه ایی مناسب و کافی برخوردار باشد». البته مشخص نیست چرا در متن این مقرر قید شده تا زمان انتقال مالکیت، چرا که با تعیین مصداق مبیع انتقال مالکیت صورت می پذیرد و بهتر آن بود که بیان می کرد تا زمان تسلیم کالا به بانی.

ه: تعیین عمر اقتصادی مال

هدف بانی از اقدام به انتشار اوراق مرابحه نیاز او به یک سری کالای اساسی است تا نیاز او را عمدتاً در عرصه تولیدی بر طرف نماید. این امر موجب گردیده که کالای مورد مرابحه نیازمند عمر اقتصادی مفیدی باشند تا مطلوب حاصل گردد. تبصره ۳ ماده ۱۰ بیان می دارد: «به جزء کالاهای پذیرفته شده در بورس منتخب کانون کارشناسی رسمی دادگستری یا حسب مورد به تشخیص سازمان بر اساس سایر روش های قابل اتکا تعیین شود. دارایی هایی که به تشخیص سازمان دارای قیمت رسمی و معین هستند و نهاد واسط، دارایی را مستقیماً از تولید کننده خریداری می نماید از این تبصره مستثنی می باشند».

و: دارای حد نصاب ارزش مالی

انتشار اوراق اساسا به خاطر جمع آوری سراهی های خرد مردم و مشارکت آنها در یک طرح کلان اقتصادی می باشد. در فصل اول نیز مثال هایی از نیازهای بانی زده شد از جمله نیاز به خرید چند فروند هواپیما، همچنین سازوکار انتشار این اوراق به قدری هزینه ب می بشاند که جهت خرید اقلام ارزان قیمت صرفه اقتصادی ندارد. این امر موجب شده تا در تبصره ۵ ماده ۱۰ چنین مقرر گردد: «ارزش تقریبی دارایی یا دارایی های مبنای انتشار اوراق مرابحه نباید کمتر از ده میلیارد ریال باشد».

نتیجه گیری

نظام حاکم بر کشور ما اسلام است، و بانک ها بر این اساس می بایست اسلامی فعالیت نمایند، مناسب ترین روش برای اینکه بانک ها به صورت بانکداری اسلامی فعالیت نمایند استفاده از عقود و قراردادهایی است که بر اساس فقه اسلامی شکل گرفته است. مرابحه به عنوان یک عقد فقهی، در حال حاضر مناسب ترین روش در نظام بانکی کشور محسوب می گردد. از بسیاری از عقود فقهی همچون سلف، مضاربه و... در حال حاضر در شبکه بانکی کشور استفاده می گردد. اما مرابحه به واسطه وسعت کاربردی که دارد، دارای این قابلیت است که جایگزین بخش عمده ای از آنها گردد. یکی از مشکلاتی که در استفاده از برخی عقود در شبکه بانکی وجود داشت، استفاده از آنها صرفا در خریال کالا و تنها در اعیان بود. این مشکل با استفاده از مرابحه مرتفع می گردد، زیرا مرابحه علاوه بر خرید کالا در خدمات، و علاوه بر عین، منفعت و حقوق را نیز پوشش می دهد. بانک های کشور می بایست توان آن را داشته باشند که علاوه بر عرصه داخلی، در سطح بین المللی نیز فعالیت نمایند، در این خصوص ضرورت دارد که از قراردادهایی استفاده کند که در سایر کشورها

نیز متداول می باشد. مرابحه یکی از گزینه هایی است که اکثر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در عملیات بانکی خود از آن استفاده می نمایند. لذا به واسطه قرار داشتن این عقد در چارچوب فقهی و وسعت کاربرد آن در حال حاضر بهترین وجه اشتراک جهت ورود، بانکداری کشور در عرصه بین المللی می باشد.

بانک های کشور در حال حاضر دست به گریبان با مسائلی هستند، که آنها را دائم در معرض انتقاد و ایراد قرار داده است. یکی از این مسائل، انحراف منابع بانک از مسیر مصرف صحیح و واقعی می باشد. در این میان مرابحه، گزینه ی مناسبی جهت هموارسازی مسیر مصرف واقعی منابع بانک می باشد. یکی از مواردی که موجب پیشنهاد جایگزینی مرابحه به جای سایر عقود بانکی گردیده گسترده گ و ظرفیت بالای این عقد می باشد. لذا در صورت استفاده از آن در عمده خدمات بانکی، باعث صرفه جویی در بخش عمده ای از هزینه های بانک ها می گردد.

یکی از معضلاتی که نظام بانکی و به تأثیر از آن اقتصاد ملی را دچار چالش نموده، معاملات صوری فی مابین بانک و مشتریان می باشد. این موضوع دارای چنان اهمیتی است که به جرأت می توان رکود اقتصادی حاکم بر بازار را به نوعی به آن مرتبط نمود. در صورت اجرای صحیح و واقعی مرابحه شاید بخش عمده ای از این مشکلات که ریشه در نابسامانی بانک ها دارد، مرتفع گردد.

پیشنهادهای

۱- عمده ای از خدمات بانکی از جمله ارائه تسهیلات، کارت های اعتباری و اوراق بهادار (صکوک) در حال حاضر از روش های مختلف در بانک ها ارائه می گردد. لذا پیشنهاد می گردد با توجه به وسعت و گسترده گ کاربردی مرابحه در عملیات بانکی، در

صورت فراهم بودن بسترهای مناسب، تا حد امکان در خدمات سیستم بانکی از روش مراحه استفاده گردد.

۲- در حال حاضر عمده توجه بانک‌ها در استفاده از مراحه بابت تخصیص منابع می باشد، لذا پیشنهاد می گردد محققین و متفکران صنعت بانکداری در زمینه تجهیز منابع بر مبنای مراحه نیز تحقیق و پژوهش نمایند.

۴- یکی از مهم ترین معضلات نظام بانکی در حال حاضر ایجاد و وصول مطالبات معوق می باشد. به نظر می رسد در صورت اجرای صحیح، مراحه ابزاری است که جلوی ایجاد مطالبات جدید را تا حدی خواهد گرفت، لذا پیشنهاد می گردد در وصول مطالبات معوق نیز مرآت جایگزین روش‌های مرسوم فعلی گردد.

۵- بدیهی است بسیاری از شبهات نظام بانکی، به خاطر عدم تطابق مناسب نیاز می بان با ساز و کارهای موجود بانکی است. این معضل، منجر به انتقاد ریوی شدن فعالیت بانک‌ها می گردد. لذا پیشنهاد می گردد مراحه در نظام بانکی کشور مطابق با نیاز و تقاضای مشتریان طراحی گردد.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

الف: کتب

۱- پژوهشکده پولی بانکی، (۱۳۸۴) عقد مرابحه، ناشر بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران.

۲- جعفری لنگرودی، (۱۳۸۸) محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، ناشر کتابخانه گنج

دانش، چاپ ۲۲.

۳- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۰) فرهنگ دهخدا، ج ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران، چ نخست.

۴- رضوی، سید روح ...، پهلوان، حمید، (۱۳۸۶) اوراق صکوک: تعریف، انواع و

ساختار، تهران: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس اوراق

بهادار، چ نخست.

۵- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶) سقوط تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چ هشتم،

(۱۳۸۶).

۶- عبدی پور فرد، ابراهیم، (۱۳۹۱) مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت، قم: انتشارات

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ نخست.

۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶) درسهای از عقود معین، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج

دانش، چ دهم.

۸- موسویان، سید عباس، (۱۳۹۱) ابزارهای مالی اسلامی، تهران: سازمان انتشار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ پنجم.

۹- موسویان، سید عباس، بهاری فراملکی، حسن، (۱۳۹۱) مبانی فقهی و بازار پول و سرمایه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چ نخست.

۱۰- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۶) بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ ۵.

۱۱- موسوی، خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۲) استفتاءات، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چ پنجم.

ب: مقالات و جزوات

۱- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳) بررسی فقهی کارت های اعتباری در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره، ۲۰ ص ۱۱ الی ۲۱.

۲- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۳) کارت های اعتباری در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، ص ۱۲ الی ۲.

۳- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۴) ارزیابی قرار داد و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹، ص ۱۰ الی ۲۵.

۴- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۵) بررسی حقوقی معاملات شرکت های لیزینگ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ناشر بانک مرکزی، شماره ۲۲، ص ۸ الی ۲۰.

۵- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۸) صکوک مرابحه ابزار مالی مناسب برای بازار پول و سرمایه اسلامی، ناشر مؤسسه حوزه و دانشگاه، فصلنامه جستارهای اقتصادی، سری ۶، شماره ۱۱، ص ۲۹ الی ۳۸.

۶- موسویان، سید عباس، (۱۳۹۰) امکان سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا، مجله روند پژوهش های اقتصادی، ناشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۵۹، ص ۳۳ الی ۵۷.

۲- منابع عربی

۱- البستانی، بطرس. (بی تا) دوائر المعارف قاموس عام لکن فن و مطلب، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه. چ دوم.

۲- الجبعی العاملی، الشهید زین الدین بی علی، (۱۳۷۲) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الد مشقیه، ج ۱، قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی الطبعة السابعة.

۳- شعرانی، ابوالحسن. (۱۴۱۹) تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ج ۲ تهران: منشورات اسلامیة ایران چ پنجم.

۴- لويس معلوف. (۱۳۸۳) المنجد فی اللغة، تهران: انتشارات اسلام، چاپخانه منفرد، چ سوم.